



---

بروس فینک

ترجمہ  
علی حسن زادہ

---

# سوژہی لاگانی

## میان زبان و ژوئیسانس



---

بروس فینک



ترجمہ  
علی حسن زادہ

---

# سوژہی لاگانی

## میان زبان و ژوئیسانس



سرشناسه: فینک، بروس، ۱۹۵۶ - م. Fink, Bruce  
عنوان و نام پدیدآور: سوزه‌ی لاکانی / بروس فینک؛ علی حسن‌زاده.  
مشخصات نشر: تهران، نشر بان، ۱۳۹۷  
مشخصات ظاهری: ۴۵۶ صفحه. ۱۳ در ۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۳۵-۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: **The Lacanian subject : between language and jouissance**, c1995

موضوع: لکان، ژاک، ۱۹۰۱ - ۱۹۸۱ م.

Lacan, Jacques

موضوع: روانکاوی

موضوع: Psychoanalysis

شناسه افزوده: حسن‌زاده، علی، ۱۳۶۸ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹فب/ال / BF۱۰۹

رده بندی دیویی: ۱۹۵/۱۵۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۳۹۵۷۸

بروس فینک  
سوژه لاکانی

ترجمه‌ی:

علی حسن‌زاده

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: تابستان ۱۳۹۷  
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: دفتر نشر بان (بریا اسماعیلی)

شمارگان:

۱،۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی:

طاووس رایانه

چاپ:

منصور

صحافی:

کیا پاشا

مدیر هنری:

امید نعم‌الحیب / استودیو ملی

طراح گرافیک:

مهدی قاسمی

مرکز پخش:

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت

پلاک ۱۳۴۰، ۶۶۴۶۷۳۲۳-۲۱

فروش اینترنتی:

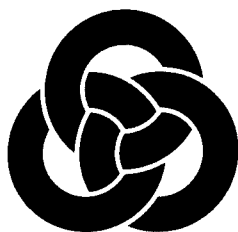
www.agahbookshop.ir و www.baan.pub

instagram.com/baanpublishers

۵۵،۰۰۰ تومان

کاغذ بالک، همراه طبیعت





—

Pour H elo ise

—

به الوئيز

—



## فهرست

---

۱۵	یادداشت مترجم
۲۵	بیش گفتار

### بخش یکم: ساختار: بیگانه‌شدگی و دیگری

#### فصل یکم

۳۹	زبان و دیگربودگی
۴۱	لغزش زبان دیگری
۴۸	ناخودآگاه
۵۴	بدن‌های خارجی

#### فصل دوم

۵۹	ماهیت اندیشه‌ی ناخودآگاه، یا نیمه‌ی دیگر چگونه «می‌اندیشد»
۶۵	شیر یا خط
۷۰	تصادفی‌بودن و حافظه
۷۲	ناخودآگاه کنار هم می‌نشانند
۷۵	دانش بدون سوژه



## فصل سوم

- ۷۷ کارکرد آفرینش گر وازه: امر نمادین و امر واقعی
- ۸۲ تروما
- ۸۶ تفسیر به علت می زند
- ۸۷ ناتمامیت نظم نمادین: کل/سوراخ در دیگری
- ۹۰ پیچ خوردگی ها در نظم نمادین
- ۹۱ ساختار در برابر علت

## بخش دوم: سوزهی لاکانی

### فصل چهارم

- ۹۵ سوزهی لاکانی
- سوزهی لاکانی همان سوزهی «فردی» یا آگاه فلسفه‌ی
- ۹۹ انگلیسی-آمریکایی نیست
- ۱۰۲ سوزهی لاکانی همان سوزهی گزاره نیست
- ۱۰۳ سوزهی لاکانی در هیچ کجای امر گفته شده پدیدار نمی شود
- ۱۰۸ ناپایداری سوزه
- ۱۰۹ سوزهی فرویدی
- ۱۱۰ سوزهی دکارتی و وارونه‌ی آن
- ۱۱۳ سوزهی دوپاره‌ی لاکان
- ۱۱۶ فراسوی سوزهی دوپاره

### فصل پنجم

- ۱۱۹ سوزه و میل دیگری
- ۱۲۲ بیگانه‌شدگی و جداشدگی
- ۱۲۴ یای بیگانه‌شدگی
- ۱۲۸ میل و فقدان در جداشدگی
- ۱۳۱ ورود حد سوم
- ۱۳۶ ایزه‌ی میل دیگری
- ۱۴۰ جداشدگی دیگر: گذر از فانتزی





۱۴۳	سوپزکتیو کردن علت: معضله‌ای زمانی
۱۴۸	بیگانه‌شدگی، جداشدگی، و گذر از فانتزی در چیدمان تحلیلی
	فصل ششم
۱۵۳	استعاره و پیش‌جویی سوپزکتیو پتته
۱۵۸	مدلول
۱۶۰	دو چهره‌ی سوژه‌ی روانکاوانه
۱۶۰	سوژه به‌مقابله مدلول
۱۶۷	سوژه به‌مقابله رخنه

### بخش سوم: ابژه‌ی لاکانی: عشق، میل، ژوئیسانس

	فصل هفتم
۱۷۵	ابژه‌ی (a): علت میل
۱۷۹	«روابط ابژه»
۱۷۹	ابژه‌های خیالی، روابط خیالی
۱۸۴	دیگری به‌مقابله ابژه، روابط نمادین
۱۸۹	ابژه‌های واقعی، مواجهات با امر واقعی
۱۹۴	ابژه‌های از دست‌رفته
۱۹۷	چیز فرویدی
۱۹۹	ارزش مازاد، ژوئیسانس مازاد
	فصل هشتم
۲۰۳	چیزی به نام رابطه‌ی جنسی در کار نیست
۲۰۷	اختگی
۲۱۱	فالوس و کارکرد فالیک
۲۱۵	«چیزی به نام رابطه‌ی جنسی در کار نیست»
۲۱۸	تمایزگذاری میان جنس‌ها
۲۲۲	فرمول‌های جنسیت‌یابی
۲۳۰	ناقربینگی شریک‌ها
۲۳۴	کربن وجود ندارد



۲۳۷	مردانه/زنانه — دال/دال بودگی
۲۴۰	دیگری با خود، ژوئیسانس دیگر
۲۴۳	حقیقت روانکاوی
۲۴۴	وجود و برون-ایستایی
۲۴۶	استعاره‌های نو برای تفاوت جنسی

### بخش چهارم: جایگاه گفتمان روانکاوانه

	فصل نهم
	چهار گفتمان
۲۵۳	گفتمان ارباب
۲۵۷	گفتمان دانشگاه
۲۶۰	گفتمان هیستریک
۲۶۲	گفتمان روانکاو
۲۶۵	وضعیت اجتماعی روانکاوی
۲۶۸	چیزی به نام فرازبان در کار نیست
۲۶۹	فصل دهم
	روانکاوی و علم
۲۷۱	علم به مثابه گفتمان
۲۷۴	بخیه کردن سوژه
۲۷۵	علم، گفتمان هیستریک، و نظریه‌ی روانکاوانه
۲۷۸	سه گستره و گفتمان‌های به گونه‌ای متفاوت «قطبیده»
۲۸۱	صوری‌سازی و ترافرست‌پذیری روانکاوی
۲۸۳	جایگاه روانکاوی
۲۸۶	اخلاقیات روانکاوی لاکانی
۲۸۷	پس‌گفتار
۲۸۹	پیوست یکم
۲۹۹	زبان ناخودآگاه
۲۹۹	



۳۲۱	پیوست دوم
۳۲۱	تعقیب کردن علت
۳۳۵	واژه‌نامه‌ی نمادهای لاکانی
۳۳۹	سیاس‌گزاری و قدردانی
۳۴۱	یادداشت‌ها
۴۰۱	مؤخره‌ی مترجم
۴۰۹	کتاب‌نامه
۴۱۹	واژه‌نامه‌ی انگلیسی-فارسی
۴۳۵	نمایه

## یادداشت مترجم

---

تبدیل روح به هیولا، مسئله این است.

— آرتور رمبو

کودکی درنده شد.

— بیژن الهی

۱. بروس فینک روانکاو لاکانی، استاد دانشگاه، و نویسندehای پرکار است. وی تحصیلات خود را در دانشگاه کورنل در رشته‌ی فلسفه آغاز کرد. سپس راهی فرانسه شد و در دانشگاه پاریس هشت، سن-دنی، به تحصیلات خود ادامه داد؛ با راهنمایی آلن بدیو از نهاده‌ی خود، «درباره‌ی نظریه‌های سوپزکتیویته»، دفاع کرد، بعد در همان دانشگاه تحصیلات خود را در رشته‌ی روانکاوی به پایان رسانید. فینک از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ زیر نظر ژاک-آلن میلر، کولت سولر، و دیگران در

مدرسه‌ی علت یا آرمانِ فرویدی<sup>۱</sup> برای روانکاوشدن آموزش دید. سپس فرانسه را ترک کرد، و در دانشگاه‌های آمریکا به تدریس مشغول شد.



۲. *سوزهی لاکانی: میان زبان و ژوئیسانس*، نخستین کتاب فینک و یکی از اساسی‌ترین کتاب‌ها در زمینه‌ی روانکاوی لاکانی است. این کتاب نظریه‌ی از بنیاد نویی را درباره‌ی سوزه و سوپزکتیویته، آن‌گونه که در کار ژاک لاکان یافت می‌شود، عرضه می‌کند. شاید مایه‌ی شگفتی باشد، اما لاکان — همچون دکارت، کانت، و دیگر متفکران بزرگ مدرنیته — سوزه را باور دارد: سوزهی لاکانی «انسان کامل» نیست، بلکه ناتمام است و فقدان دارد، فقدان و اختگیِ خویش را می‌پذیرد و در عین حال می‌داند که دیگری نیز ناتمام است و فقدان دارد. این سوزه همواره در رابطه و در کشاکش با دیگری است؛ غالباً اسیر آن، اما گاه (امکان‌ناپذیر روی می‌دهد) و دیگری را تغییر می‌دهد، از نو می‌آفریند. این سوزه علتی در جهان فراسو ندارد، بلکه به‌مثابه علتِ خویش پا به هستی می‌گذارد. این سوزه به نفعِ *اگواپده‌آل* (قانون خیر عمومی) از ژوئیسانس خود دست نمی‌کشد، بلکه مسئولیتِ ژوئیسانسِ خویش را به گردن می‌گیرد. این سوزه غالباً اسیر زبان است؛ نمی‌تواند یک‌بار و برای همیشه دست از زبان و خویشتن‌پرستی بشوید، به درجه‌ی ارادت نایل آید، و تا ابد پاک بماند و آسوده از شکنجه‌ی زبان. سوزهی لاکانی فقط آن‌گاه می‌تواند از زبان فارغ شود که پیشاپیش بدل به تفاله یا رانده‌ای شده است که برای زبان ناگواردنی است.

۳. ردپای محو‌نشدنی «سوزهی خودآیین» کانتی را می‌توان در برداشت لاکان از «سوزهی زنانه» بازشناخت. در «در پاسخ به پرسش روشن‌نگری چیست؟»، کانت می‌نویسد، «من در روشن‌نگری، بیش از هر جای دیگر، بر خروج آدمی از نابالغی به تقصیر خویشتنِ خود در قلمرو مسایل مذهبی پای فشرده‌ام».<sup>۲</sup> می‌توان گفت که کانت در این‌جا الهیاتِ مبتنی بر کشفِ میلِ دیگری و اخلاقیاتِ مبتنی بر تصدیق و تحکیمِ معمایِ دیگری را به پرسش می‌کشد. آیا همچنین نمی‌توان گفت که

#### 1. École de la Cause freudienne

۲. بنگرید به ایمانوئل کانت، «در پاسخ به پرسش روشن‌نگری چیست؟»، در ارهارد بار (گردآورنده)، *روشن‌نگری چیست، روشنی‌یابی چیست؟ نظریه‌ها و تعریف‌ها*، ترجمه‌ی سیروس آرین‌پور، انتشارات آگاه، ص. ۴۲.

برداشتِ لاکان از «فقدان در دیگری» و «ژوئیسانسِ زنانه»ی مرتبط با آن همین حرکتِ کانتی را رادیکال تر می‌کند؟

۴. لاکان دوست هایدگر بود. وی را نیک می‌شناخت. اما هرگز به سان او سوزه و سوبزکتیویته را کنار نگذاشت. از دید هایدگر، زبان خانه‌ی هستی است و انسان همواره پیشاپیش در دام زبان.<sup>۱</sup> اما این فقط یک چهره‌ی سوزه‌ی لاکانی است: سوزه‌ی مردانه، سوزه چونان بیگانه‌شده در زبان، سوزه‌ی اسیر در چنگال دیگری (از دید لاکان، زبان شکنجه‌گاه هستی است.)؛ سوزه‌ای که خود را به ژوئیسانسِ فالیک خرسند می‌کند. با این همه، لاکان از یک چهره‌ی دیگر سوزه نیز سخن به میان می‌آورد: سوزه‌ی زنانه، سوزه‌ای که تماماً خود را به ژوئیسانسِ فالیک محدود نمی‌کند، بلکه بالقوه ممکن است «ژوئیسانسِ دیگر» را نیز از سر بگذراند. این ژوئیسانسِ دیگر، برخلاف ژوئیسانسِ فالیک، ناچنسی است و نیز تحمل‌ناپذیر برای «جامعه‌ی بافرهنگ». ژوئیسانسِ دیگر توصیه‌های بهداشتی پدر و مادر، نیازهای سرمایه و هنجارهای حاکم بر «روابط عاقلانه‌ی آدم‌های بالغ» را نادیده می‌گیرد، مفاهیم پذیرفته‌شده‌ی «رفتار سالم» را به هم می‌زند و از منطقی پیروی می‌کند که به کل متفاوت با منطق سنتی و کلاسیک است.

۵. سوزه‌ی لاکانی دو چهره دارد: یک چهره همچون سیاوش اخته می‌شود، چهره‌ی دیگر همچون عقاب (در شعر «عقاب» پرویز ناتل خانلری) «اختگی خویش را به پای ژوئیسانسِ دیگر قربانی می‌کند»؛ یک چهره همچون «کا» از معماگونگی میل دیگری به ستوه می‌آید و به دست زبان شکنجه می‌شود، چهره‌ی دیگر همچون نویسنده‌ی متن‌هایی برای هیچ خود زبان را شکنجه می‌دهد؛ یک چهره همچون حیدر در فیلم *بادیگارد* به دست «دیگری به‌مثابه میل» نیست و نابود می‌شود، چهره‌ی دیگر همچون «پسر بچه» (در نمایشنامه‌ی «آن که گفت نه»ی برشت) دیگری را از نو می‌آفریند.

۶. اما چرا این همه پافشاری بر (تفسیر و تغییر) دیگری؟ مگر سوزه جدای از دیگری نیست؟ مگر نمی‌توان به گوشه‌ای خزید و فارغ از قیل و قال جهان در پرورش فضیلت‌های شخصی خویش کوشید؟ نه، در این صورت، امید رستگاری نیست. همان‌طور که، از طرفی، مارکس آگاهی اجتماعی را تعیین‌بخشِ آگاهی فردی می‌داند

۱. بنگرید به سیاوش جمادی، *زمینه و زمانه‌ی پدیدارشناسی: جستاری در زندگی و اندیشه‌های هوسرل و هایدگر*، (ویرایش مسعود علیا) انتشارات ققنوس، ص. ۶۸۱

و، از طرف دیگر، کانت بر آزادیِ کاربردِ عقلِ خویش در امور همگانی تأکید می‌کند و هگل آزادی فردی را آزادیِ دروغین می‌خواند، لاکان نیز، از سویی، ناخودآگاه را گفتمان دیگری می‌انگارد و، از سوی دیگر، بر آن است که یگانه راه تغییر ناخودآگاه آدمی تغییر دیگری است. به بیان زوپانچیک، «اگر بناست چیزی در ناخودآگاه مان تغییر یابد، این تغییر باید در ساختاری که آن را پشتیبانی می‌کند روی دهد. و نیز به همین دلیل است که روانکاوی عمیقاً ماتریالیستی است: روانکاوی ادعا می‌کند و نشان می‌دهد که حفاظِ باورهای ناخودآگاه مان جایی در اعماقِ خلوت مان نیست، بلکه آن جا در بیرون (در دیگری) است».<sup>۱</sup>



۷. سوژه‌ی لاکانی به رغم آن که کتابی مقدماتی به شمار می‌آید، گاه بی‌اندازه دشوار می‌شود و از چیزهایی سخن می‌گوید که (نا)آشنا و «غریب» اند و گاه بسیار مسئله‌دار. در نتیجه، ممکن است وقفه‌ای در حسِ دروغینِ آگوی منسجم مان بیندازد. با این همه امیدوارم مباحث مطرح شده در این جا خواننده را در تحلیل یا دست کم فهمِ برخی از جزئیات کوچک و بی‌اهمیت زندگی اجتماعی اش یاری کند.

ح-ع

اردبیل، زمستان ۱۳۹۶

۱. آلنکا زوپانچیک، چرا روانکاوی؟ سه مداخله، ترجمه‌ی علی حسن‌زاده، نشر بان، ۱۳۹۷، ص. ۵۵.

## تمجیدها

---

سال‌هاست که پذیرش آمریکایی لاکان تحت شرایط سانسور نظری و سازانه-فمینیستی-تاریخ‌گرایانه صورت گرفته است. بالاخره، در این‌جا کتابی هست که «بازگشتی به لاکان» می‌کند، او را از معضل مد روز «مرگ سوژه»، مواضع-سوژه‌ی چندگانه و امثال این‌ها می‌رهاند و به آن‌جا که حقیقتاً تعلق دارد بازمی‌گرداند — به سنت سترگ متفکران مدرن که، از دکارت به این سو، معنای سوژه‌بودن را می‌کاوند. کتاب مناسب در زمان مناسب! — اسلاوی ژیزک

بروس فینک چیزی را به ما یادآوری می‌کند که اغلب در پذیرش نظریه‌ی لاکانی نادیده گرفته می‌شود، این که نظریه‌ی لاکانی از پراتیک روانکاوانه سرچشمه می‌گیرد و توصیف‌گر آن است. او روشن می‌کند که لاکان نه «مرگ سوژه» بلکه



تولد دوباره‌ی سوژه با تمام قوای اخلاقی و شناختی‌اش را اعلام کرد. مسئولیت اخلاقی سوژه از امکان‌ناپذیری منطقی معمول‌ترین تجربیات انسانی سربرمی‌آورد — از این امر که «چیزی به نام رابطه‌ی جنسی در کار نیست»؛ این که عمیق‌ترین میل ما «از آن ما» نیست؛ این که اختگی، که مردم این‌همه از آن می‌ترسند، پیشاپیش روی داده است؛ این که جنسیت زنانه جنسیت زنان نیست؛ این که سوژه فرد نیست، بلکه تجربه‌ای ناپایدار است که استعاره شعله‌ورش می‌سازد، سوژه «پابه‌هستی گذاشتن به‌مثابه علت خویش» است. دکتر فینک در مقام پژوهش‌گر و پراتیک‌کار لاکانی شرحی بی‌اندازه روشن، قابل قبول و حقیقتاً خیره‌کننده درباره‌ی یکی از تأثیرگذارترین متفکران قرن بیستم نگاشته است. — سوزان باک‌مورس

فهرستی از مهم‌ترین کارهای بروس فینک:

---

۱. نوشته‌ها:

- درآمدی بالینی به روانکاوی لاکانی: نظریه و تکنیک.<sup>۱</sup>  
لاکان حرف به حرف: خوانش دقیق‌تر نوشته‌ها.<sup>۲</sup>  
مبانی تکنیک روانکاوانه: رهیافتی لاکانی برای پراتیک‌کاران.<sup>۳</sup>  
علیه فهمیدن: شرح، موردها، و نقد در مایه‌ای لاکانی، ۲ مجلد.<sup>۴</sup>
- 

1. *A Clinical Introduction to Lacanian Psychoanalysis: Theory and Technique* (Cambridge: Harvard University Press, 1997).
2. *Lacan to the Letter: Reading Écrits Closely* (Minneapolis: University of Minnesota Press, 2004).
3. *Fundamentals of Psychoanalytic Technique: A Lacanian Approach for Practitioners* (New York: W. W. Norton & Co., 2007).
4. *Against Understanding: Commentary, Cases, and Critique in a Lacanian Key*, 2 volumes (London: Routledge, 2013-2014).

عشق از دید لاکان: کاوش سمینار هشتم لاکان، انتقال.<sup>۱</sup>

درآمدی بالینی به فروید: تکنیک‌هایی برای پراتیک روزمره.<sup>۲</sup>

۲. ترجمه‌ها:

ژاک لاکان، نوشته‌ها: نخستین ویرایش کامل به انگلیسی.<sup>۳</sup>

سمینار لاکان، کتاب بیستم (۱۹۷۳-۱۹۷۲): باز هم، در باب جنسیت زنانه:

محدوده‌های عشق و دانش.<sup>۴</sup>

ژاک لاکان، درباره‌ی نام‌های-پدر.<sup>۵</sup>

ژاک لاکان، پیروزی دین.<sup>۶</sup>

سمینار لاکان، کتاب هشتم: انتقال.<sup>۷</sup>

سمینار لاکان، کتاب ششم: میل و تفسیر آن.<sup>۸</sup>

کولت سولر، تأثرات لاکانی: کارکرد تأثر در کار لاکان.<sup>۹</sup>

۳. ویرایش‌ها:

خوانش سمینار یازدهم: چهار مفهوم بنیادین روانکاوی لاکان (به همراه ریچارد

- 
1. *Lacan on Love: An Exploration of Lacan's Seminar VIII, Transference* (Cambridge: Polity Press, 2016).
  2. *A Clinical Introduction to Freud: Techniques for Everyday Practice* (New York: W. W. Norton & Co., 2017).
  3. *Écrits: The First Complete Edition in English* (New York: W. W. Norton & Co., 2006).
  4. *The Seminar, Book XX (1972-1973): Encore, On Feminine Sexuality: The Limits of Love and Knowledge* (New York: W. W. Norton & Co., 1998).
  5. *On the Names-of-the-Father* (Cambridge: Polity Press, 2013).
  6. *The Triumph of Religion* (Cambridge: Polity Press, 2013).
  7. *The Seminar, Book VIII: Transference* (Cambridge: Polity Press, 2015).
  8. *The Seminar, Book VI: Desire and Its Interpretation* (Cambridge: Polity Press, forthcoming).
  9. *The Lacanian Affects: The Function of Affect in Lacan's Work* (London: Routledge, 2016).

فلدشتاین<sup>۱</sup>، و مر یانوس<sup>۲</sup>).

خوانش سمینارهای یکم و دوم: بازگشت لاکان به فروید (به همراه ریچارد

فلدشتاین، و مر یانوس).

خوانش سمینار بیستم: کار اصلی لاکان در باب عشق، دانش، و جنسیت زنانه

(به همراه سوزان بارنرد<sup>۵</sup>).

- 
1. Richard Feldstein
  2. Maire Jaanus
  3. *Reading Seminar XI: Lacan's Four Fundamental Concepts of Psychoanalysis* (Albany: SUNY Press, 1995).
  4. *Reading Seminars I & II: Lacan's Return to Freud* (Albany: SUNY Press, 1996).
  5. Suzanne Barnard
  6. *Reading Seminar XX: Lacan's Major Work on Love, Knowledge, and Feminine Sexuality* (Albany: SUNY Press, 2002).

## پیش‌گفتار

---

لاکان نظریه‌ی از بنیاد نویی را درباره‌ی سوژه‌کتیویته به ما عرضه می‌کند. برخلاف پیش‌تر پس‌اساختار‌گراها، که بر آن‌اند خود پنداره‌ی سوژه‌ی انسانی را واسازی کنند و از میان بردارند، لاکان روانکاو مفهوم سوژه‌کتیویته را لازم و ضروری می‌شمارد و این امر که سوژه بودن به چه معناست، آدمی چگونه سوژه می‌شود، شرایطی که مسبب شکست در سوژه شدن‌اند (شکستی که به سایکوسیس<sup>۲</sup> منتهی می‌شود)، و ابزارهای تحت اختیار روانکاو برای ایجاد «پیش‌جویی سوژه‌کتیویته»، را می‌کاود. با وجود این، کنار هم گذاشتن تنوع زیاد چیزهایی که لاکان درباره‌ی سوژه می‌گوید سخت دشوار است، زیرا نظریه‌ی او درباره‌ی سوژه برای پیش‌تر ما بسیار «ناشهودی»<sup>۳</sup> است («تعریف»ی را که لاکان بارها تکرار می‌کند در نظر بگیرید:

---

1. notion

2. psychosis (یا، روان‌پریشی)

3. unintuitive

سوزه آن چیزی است که یک دال به دالی دیگر بازنمایی‌اش می‌کند) و در جریان کارش به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تکامل می‌یابد. افزون بر این، در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و در دهه‌ی ۱۹۸۰ در ایالات متحد، به سبب بحث و بررسی کار او درباره‌ی زبان و «نامه‌ی ربوده‌شده»ی ادگار آلن پو، احتمالاً لاکان را بیش‌تر در مقام ساختارگرا می‌شناختند، و خواننده‌ها در جهان انگلیسی‌زبان اغلب با لاکانی آشنا‌ترند که در تمام موارد — حتی در درونی‌ترین هسته‌ی آنچه ارجمندترین و بیگانگی‌ناپذیرترین «خودها»<sup>۱</sup> یمان می‌انگاریم — طرز کار ساختار را برملا می‌کند و ظاهراً معضل سوژکتیویته را به کلی کنار می‌گذارد.

در بخش یکم این کتاب، بررسی به‌غایت گسترده‌ی لاکان درباره‌ی «دیگربودگی»<sup>۲</sup>، به‌مثابه آن‌چه با سوزه‌ی هنوز مشخص نشده بیگانه یا خارجی است، را ردگیری می‌کنم. آن دیگربودگی گستره‌ی فراخ دور از ذهنی را دربرمی‌گیرد، از ناخودآگاه (دیگری به‌مثابه زبان) و اگو (دیگری خیالی [ایده‌آل‌اگو]<sup>۳</sup> و دیگری به‌مثابه میل [اگوایده‌آل]<sup>۴</sup>) گرفته تا سوپراگوی فرویدی (دیگری به‌مثابه ژوئیسانس). ما بیگانه‌شده‌ایم تا آن‌جا که زبانی ما را سخن می‌گوید که، از برخی لحاظ، به‌سان ماشین، کامپیوتر، یا دستگاه ضبط/مونتاز با زندگی‌ای از آن خود عمل می‌کند؛ تا آن‌جا که نیازها و لذت‌هایمان را تقاضاهای والدین‌مان (دیگری به‌مثابه تقاضا) در اشکال به‌لحاظ اجتماعی مقبول و پسندیده سازمان و جهت می‌دهند؛ و تا آن‌جا که میل‌مان به‌مثابه میل دیگری پا به هستی می‌گذارد. با این‌که لاکان در سمینارها و متون نوشتاری‌اش بی‌وقفه سوزه را فرامی‌خواند، اما به نظر می‌رسد که بیش‌تر وقت‌ها دیگری کانون توجه را اشغال می‌کند.

با این‌همه دقیقاً گسترش مفهوم ساختار یا دیگربودگی در کار لاکان تا بیش‌ترین دامنه‌ی دسترسی‌اش است که به ما اجازه می‌دهد تا دریابیم که ساختار در کجا بازمی‌ایستد و چیزی دیگر می‌آغازد، چیزی که به مخالفت با ساختار برمی‌خیزد.

- 
1. selves
  2. otherness
  3. ideal ego
  4. ego ideal
  5. demand

در کار لاکان، آنچه به مخالفت برمی‌خیزد دوگانه است: سوژه و ابژه (ابژه‌ی  $a$  به‌مثابه علت میل).

در بخش دوم این کتاب، نشان می‌دهم که لاکان در دهه‌ی ۱۹۵۰، با دورشدن از برداشت‌های پدیدارشناختی اولیه‌اش، سوژه را به‌عنوان موضعی تعریف می‌کند که نسبت به دیگری به‌مثابه زبان یا قانون اتخاذ می‌شود؛ به عبارت دیگر، سوژه رابطه‌ای است با نظم نمادین. آگو در چارچوب گستره‌ی خیالی تعریف می‌شود، درحالی‌که سوژه به معنای دقیق کلمه اساساً موضع‌گیری در رابطه با دیگری است. هم‌پای تکامل برداشت لاکان از دیگری، سوژه به‌مثابه ایستاری بازمفهوم‌پردازی می‌شود که نسبت به میل دیگری (میل مادر، والد، یا والدین) اتخاذ شده است، تا آن‌جا که آن میل میل سوژه را برمی‌انگیزد، یعنی، به‌مثابه ابژه‌ی  $a$  عمل می‌کند. با تأثیرپذیری بیش‌تر و بیش‌تر از کار اولیه‌ی فروید [۱] و پراتیک روانکاوانه‌ی خویش، لاکان (اگر تکامل نظری وی را به‌صورتی بسیار اجمالی بیان کنیم) آغاز می‌کند آن چیزی را دریابد که در رابطه با آن سوژه ایستاری را به‌مثابه تجربه‌ی نخستین لذت/رنج یا تروما اتخاذ می‌کند. سوژه به‌مثابه شکلی از کشش به سوی و دفاع در برابر تجربه‌ی آغازین و ازپای‌درآورنده‌ی آن چه فرانسوی‌ها *jouissance* می‌نامند با به‌هستی می‌گذارد: ژوئیسانس لذتی است مازادین، و به حس ازپای‌درآمدن و منزجرشدن منتهی می‌شود، با این‌همه هم‌زمان منبع شیفتگی را فراهم می‌کند.

با این‌که لاکان در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ «هستی» را چیزی می‌نگرد که به سوژه اعطا می‌شود، آن هم فقط به سبب رابطه‌ی فانتزی‌گون سوژه با ابژه‌ای که آن تجربه‌ی تروماتیک ژوئیسانس را پدید آورد، اما او نهایتاً «تجربه‌ی آغازین ژوئیسانس» سوژه را به‌مثابه امری صورت‌بندی می‌کند که از مواجهه‌ی تروماتیک سوژه با میل دیگری سرچشمه می‌گیرد. سوژه — که فاقد هستی است — در نتیجه به‌سان امری نگریسته می‌شود که عبارت است از رابطه‌ای با، یا ایستاری اتخاذشده نسبت به، میل دیگری چونان از بنیاد هیجان‌انگیز و با این‌همه ناراحت‌کننده، شیفته‌کننده و با این‌همه ازپای‌درآورنده یا منزجرکننده.

با این‌که کودک آرزو دارد والدین‌اش او را به‌عنوان کسی بازشناسند که شایسته‌ی میل آن‌هاست، اما میل والدین هم مسحورکننده است و هم مرگبار.

وجود ناامن و ناپایدار سوژه را فانتزی‌هایی تداوم می‌بخشند که برای نگه‌داشتن سوژه در فاصله‌ای مناسب از آن میل خطرناک بر ساخته شده‌اند، این فانتزی‌ها با ظرافت تمام کشش و بیزاری را متعادل می‌کنند.

با این‌همه، از دید من، آنچه گفته شد تنها یک چهره‌ی سوژه‌ی لاکانی است: سوژه چونان تثبیت‌شده، چونان سمپتوم<sup>۱</sup>، چونان شیوه‌ی تکراری و سمپتوماتیک «حال کردن» یا کسب کردن ژوئیسانس. حس هستی‌ای که فانتزی فراهم می‌کند «هستی دروغین» است، همان‌گونه که لاکان در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ آن را می‌نامد، و بدین‌سان به‌طور ضمنی می‌گوید که چیز دیگری وجود دارد.

می‌توان حدس زد که چهره‌ی دوم سوژه‌ی لاکانی در چیره‌شدن بر آن تثبیت‌شدگی، در بازپیکربندی کردن فانتزی یا گذر از آن و در تغییر شیوه‌ی کیف‌بردن یا کسب کردن ژوئیسانس پدیدار می‌شود: به بیان دقیق‌تر، دومین چهره‌ی سوژه‌ی لاکانی چهره‌ی سوژکتیو کردن است، فرایند «از آن خود» کردن چیزی که قبلاً بیگانه بود.

از راه این فرایند، موضع آدمی نسبت به میل دیگری کاملاً وارونه می‌شود. آدمی مسئولیت میل دیگری، مسئولیت آن قدرت خارجی‌ای را که به او هستی داد، به گردن می‌گیرد. آن دگربودگی<sup>۲</sup> علی را می‌پذیرد، و بدین‌سان آنچه را در گذشته همچون علتی بیرونی و نامربوط تجربه شده بود، قرعه‌ی بیگانه در سرآغاز جهان فرد: سرنوشت را، سوژکتیو می‌کند. در این‌جا لاکان مطرح می‌کند که روانکاو‌ی شونده<sup>۳</sup>، که روانکاو با رهیافتی ویژه او را آماده کرده، حرکتی ناسازه‌وار<sup>۴</sup> را برای سوژکتیو کردن علت وجود خویش — میل دیگری که به این دنیایش آورد — و «سوژه‌ی تقدیر خود شدن» انجام دهد. سوژه نمی‌گوید «برایم اتفاق افتاد»، بلکه می‌گوید «من دیدم»، «من شنیدم»، «من دست به عمل زدم».

بنابراین جان کلام ترجمه‌های متعدد لاکان از "Wo Es war, soll ich werden"

- 
1. symptom
  2. alterity
  3. analysand
  4. paradoxical



فریود این خواهد بود: آن‌جا که سررشته‌ی کار به دست دیگری است (آن‌جا که دیگری به‌مثابه علت من عمل می‌کند)، من باید به‌مثابه علت خودم پا به هستی بگذارم.<sup>۱</sup> [۲]

و اما ابژه (که در بخش سوم این کتاب به‌تفصیل درباره‌ی آن بحث می‌شود)، ابژه دوشادوش نظریه‌ی سوژه تکامل می‌یابد. درست همان‌طور که سوژه نخست به‌مثابه ایستاری نگریسته می‌شود که نسبت به دیگری، و سپس نسبت به میل دیگری، اتخاذ شده است، ابژه نخست به‌مثابه دیگری‌ای نگریسته می‌شود که مثل خود آدمی است، و نهایتاً با میل دیگری یکی انگاشته می‌شود. میل والدین، در معنایی بسیار مادی، کودک را به دنیا آورد، و به‌عنوان علت خود هستی کودک، و نهایتاً به‌عنوان علت میل کودک، عمل کرد. فانتزی موضعی را روی صحنه می‌آورد که کودک دوست می‌دارد در آن موضع خود را در رابطه با ابژه‌ای بنگرد که علت میل اوست، او را به میل‌ورزیدن وامی‌دارد و میل‌اش را برمی‌انگیزد.

نظریه‌ی لاکان درباره‌ی ابژه به‌مثابه علت میل، و نه به‌مثابه چیزی که کمابیش می‌تواند میل را ارضا کند، به ما اجازه می‌دهد تا پاره‌ای از نوآوری‌های لاکان در تکنیک تحلیلی را دریابیم. لاکان موضع روانکاو را بر حسب دو نوع نقش متفاوت باز‌مفهوم‌پردازی می‌کند: نقش‌هایی که روانکاو باید از پذیرفتن آن‌ها بپرهیزد (نقش‌های دیگری خیالی، و دیگری حکم‌کننده و دانای مطلق که در رهیافت‌های روانشناسی آگو<sup>۲</sup> نهفته است) و نقشی که روانکاو باید در فانتزی سوژه ایفا کند (نقش ابژه‌ی *a*) تا موجب شود روانکاو شونده علت‌های خارجی‌ای را که به وی هستی دادند هرچه بیش‌تر سوژه‌کتیو سازد.

در نگرش لاکان به چیدمان تحلیلی، از روانکاو خواسته نمی‌شود که بازی «ابژه‌ی خوب» و «مادر به قدر کافی خوب» را درآورد، یا نقش آگوی قدرتمندی را بازی کند که با آگوی ضعیف بیمار متحد می‌شود. بلکه، روانکاو باید، با حفظ موضع میل معماوار، دست آخر نقش ابژه را در فانتزی سوژه ایفا کند تا موجب بازی‌کرنده‌ی فانتزی شود، و ایستاری نو در رابطه با ژوئیسانس و موضع سوژه‌کتیو جدیدی را

۱. برای درک اهمیت خوانش فیک از این گفته‌ی فریود بنگرید به: مایکل بین، *بارت، فوکو، التوسر*، ترجمه‌ی پیام یزدان‌جو، نشر مرکز، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۳-۲۰۲.

پدید آورد. یکی از ابزارهایی که روانکاو برای انجام چنین کاری در اختیار دارد زمان می‌باشد، زیرا جلسه‌ای که مدت‌زمان متغیری دارد وسیله‌ای است که می‌توان با آن تنش لازم را برای جداکردن سوژه از رابطه‌ی فانتزی‌گون‌اش با میل دیگری به وجود آورد.

لاکان ابژه را همچنین به‌مثابه علتی شرح می‌دهد که کارکرد آرام ساختارها، نظام‌ها، و عرصه‌های اصل متعارفی<sup>۱</sup> را مختل می‌کند، و بدین‌سان آن‌ها را به انواع گوناگونی از مسائل لاینحل، ناسازه‌ها، و معضله‌ها منتهی می‌کند. ابژه امر واقعی‌ای است که با آن مواجه می‌شویم در جاهایی که زبان و شبکه‌هایی که برای نمادین‌سازی جهان به کار می‌گیریم از کار می‌افتند. ابژه حرف‌آی است که پافشاری می‌کند هرگاه که می‌کوشیم برای توضیح‌دادن همه‌چیز و گفتن همه‌اش از دال استفاده کنیم.

در نتیجه ابژه بیش از یک کارکرد دارد: به‌مثابه میل دیگری، سوژه را به میل‌ورزیدن وامی‌دارد؛ اما به‌مثابه حرف یا دال بودگی<sup>۲</sup> (signifiante) دال، مادیت یا جوهری دارد که با نوع دیگری از لذت مرتبط می‌شود. به یک معنا، چندجنبگی ابژه‌ی  $a$  است که باعث می‌شود لاکان تمایزی بنهد میان میل جنسی (لذت میل یا میل‌ورزیدن، که با نام «ژوئیسانس فالیک»، یا به بیان مناسب‌تر با نام «ژوئیسانس نمادین» بدان اشاره می‌کند) و نوع دیگری از لذت («ژوئیسانس دیگر»<sup>۳</sup>).

این دو چهره‌ی ابژه،  $a$  و  $S(A)$ ، به فهمی از تفاوت جنسی امکان می‌دهند که در آثار انگلیسی‌زبان درباره‌ی لاکان هنوز بدان دست نیافته‌اند، و این که کاملاً به فراسوی «تفاسیر» فعلی می‌رود، تفاسیری که پیشنهاد می‌کنند، از دید لاکان، مردانه یعنی سوژه و زنانه یعنی ابژه، یا این که پیشنهاد می‌کنند لاکان در همان دام فرویدی دیرینه می‌افتد و مردانگی را با فعالیت و داشتن و زنانگی را با انفعال و نداشتن یکی می‌گیرد.

دو چهره‌ی سوژه و دو چهره‌ی ابژه. تقابل‌های دوتایی موازی؟ این‌طور فکر

- 
1. axiomatic
  2. letter
  3. signifierness (یا، دالتیت)
  4. Other Jouissance

نمی‌کنم. بلکه، آن‌گونه که من آن را می‌نامم، شکلی از «ساختارگرایی گودلی»<sup>۱</sup>، که در آن هر نظامی به‌واسطه‌ی دگربودگی یا ناهمگونی‌ای که در دل خود دارد ناتمام می‌شود.

بالین کاران<sup>۲</sup>ی که در بافتاری علم‌باورانه نظیر ایالات متحد کار می‌کنند باید ضرورتاً با مسئله‌ی جایگاه گفتمان روانکاوانه، که در بخش چهارم این کتاب بدان می‌پردازیم، برخورد جدی‌تری داشته باشند. در محیطی که در آن مدیر مؤسسه‌ی ملی بهداشت روانی در واشنگتن می‌تواند علناً ابراز کند که دستگاه پزشکی احتمال دارد تا سال ۲۰۰۰ تقریباً بر تمامی بیماری‌های روانی «فائق آید»؛<sup>۳</sup> که در آن روزنامه‌ها هر روز اعلام می‌کنند که ژن «مسئول»<sup>۴</sup> الکلیسم، همجنس‌خواهی، فوبیا، اسکیزوفرنی، یا هرچه فکرش را بکنید کشف شده است؛ و محیطی که در آن حملات علم‌باورانه‌ی بچگانه به شالوده‌های روانکاوی را ممکن است ضرباتی جدی بر اعتبار آن بینگارند، روانکاوان و افراد علاقه‌مند به روانکاوی باید خود را مجهزتر کنند تا بتوانند با هوشمندی درباره‌ی جایگاه معرفت‌شناختی عرصه‌ی کار خویش بحث کنند.

زیرا با این‌که روانکاوی ممکن است علم نباشد، «علم» آن‌گونه که اکنون فهمیده می‌شود، هیچ نیازی ندارد که از دستگاه پزشکی یا علمی موجود مشروعیت بطلبد. کار لاکان امکانات لازم را در اختیار ما می‌گذارد تا روانکاوی را به‌مثابه گفتمانی برپا کنیم که هم به لحاظ تاریخی بر تولد علم مبتنی است و هم قادر است، به قول معروف، روی پای خود بایستد. روانکاوی، بدان‌سان که لاکان مفهوم‌پردازی‌اش کرده، نه تنها گفتمانی است که بنیاد ویژه‌ی خود را دارد، بلکه همچنین گفتمانی است که در جایگاهی قرار دارد که ساختار و طرز کار دیگر «دیسپلین‌ها»<sup>۵</sup> (هم آکادمیک و هم علمی) را تحلیل کند، و پرتو تازه‌ای بر انگیزه‌های اصلی و نقاط کورشان بتاباند.

لاکان با گنجاندن مفاهیم روانکاوانه در علم به امکان‌پذیری رادیکال ساختن یا

1. Gödelian structuralism
2. clinicians
3. disciplines

انقلابی ساختن علم، آن گونه که معمولاً فهمیده می‌شود، اشاره می‌کند — در نتیجه به یک معنا با یافته‌های تازه‌ی خود سرحدات علم را فراتر می‌برد و بدین‌سان ابره‌ی پژوهش علمی را از نو تعریف می‌کند. به جای این که، مثل بعضی کسان، ادعا کند که روانکاوی محکوم است برای همیشه بیرون از عرصه‌ی علم بماند، نکته‌ی لاکان در واقع این است که علم هنوز از پس وظیفه‌ی در خود جای‌دادن روانکاوی برنمی‌آید. [۴] شاید، روزی، گفتمان علمی به گونه‌ای تغییر یابد که روانکاوی را تحت نفوذ خود بگیرد، اما در این مدت روانکاوی می‌تواند بسط و گسترش پراکسیس متمایز خویش: پراتیک بالینی و نظریه‌سازی، را ادامه دهد.

این طرح اجمالی مسیر کلی بحث مرا نشان می‌دهد و امیدوارم به‌هنگام خواندن این کتاب همچون نوعی نقشه‌ی راه، که در صورت نیاز خواننده می‌تواند هرازگاهی بدان رجوع کند، به کار خواننده بیاید. زیرا با این که سوژه، ابژه، دیگری، و گفتمان مفاهیم اصلی‌ای هستند که در این جا بسط یافته‌اند، به بحث گذاشتن آن‌ها در بافتار مستلزم توضیح بسیاری از مفاهیم اساسی لاکان و تشریح کوشش‌های اولیه و بعدی او برای صورت‌بندی تجربه‌ی روانکاوانه با استفاده از آن مفاهیم اساسی است. برخی از مفاهیمی که لاکان در جریان کار و حرفه‌ی خود به آن‌ها شکل داد و شکل تازه بخشید و من در این جا به سراغ‌شان خواهم رفت از این قرارند: امر خیالی، نمادین، و واقعی؛ نیاز، تقاضا، میل، و ژوئیسانس؛ سوژه‌ی گزاره، سوژه‌ی اظهار (یا سوژه‌ی سخن‌گو)، سوژه‌ی ناخودآگاه، سوژه‌ی دوباره، سوژه به‌مثابه دفاع، و سوژه به‌مثابه استعاره؛ استعاره‌ی پدری، واپس‌رانی آغازین، و واپس‌رانی ثانوی؛ نوروسیس<sup>۱</sup>، سایکوسیس، و انحراف؛ دال (دال ارباب یا یک‌تایی و دال دوتایی)، حرف، و دال‌بودگی؛ فالوس (به‌مثابه دال میل)، کارکرد فالیک، تفاوت جنسی، ژوئیسانس فالیک، ژوئیسانس دیگر، ساختار مردانه، و ساختار زنانه؛ بیگانه‌شدگی، جداشدگی، گذر از فانتزی، و "pass" یا «گذر»؛ قطع کردن، تفسیر، جلسه‌ی تحلیلی با مدت‌زمان متغیر، و نقش روانکاو به‌مثابه میل‌ورزبودگی<sup>۲</sup> ناب؛ وجود و برون‌ایستایی<sup>۳</sup>؛ چهار گفتمان (گفتمان‌های ارباب، هیستریک، روانکاو، و دانشگاه)،

1. neurosis (یا، روان‌رنجوری)

2. desirousness

3. existence and ex-sistence

محرك‌های اصلی آن‌ها، و قربانی‌هایی که ایجاب می‌کنند؛ دانش، بدبازشناسی<sup>۱</sup>، و حقیقت؛ گفتمان، فرازبان، و بخیه؛ صوری‌سازی، قطبی‌سازی، و ترافرستی<sup>۲</sup>. امیدوارم نقشه‌ی راهی که در این پیش‌گفتار فراهم آمده است خواننده را یاری کند تا در شرح من از این دامنه‌ی فراخ مفاهیم، در میان این همه درخت جنگل را نیز ببیند و در پیچ و خم جزئیات گم نشود.

در نگارش فصل‌های بخش یکم سادگی و روشنی را بیش چشم داشته‌ام، این فصل‌ها دانش قبلی اندکی را درباره‌ی کار لاکان فرض می‌گیرند، و شاید هم هیچ دانشی را فرض نمی‌گیرند. بخش‌های دوم، سوم، و چهارم به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌شوند، و بر شالوده‌هایی که در بخش‌های پیشین کتاب ریخته شدند بنا می‌شوند. بعضی از خواننده‌ها شاید بار اول بخوانند از برخی فصل‌های حجیم‌تر و دشوارتر (مثل فصل‌های پنجم، ششم، و هشتم) نخوانده رد شوند و، برای نمونه، پس از خواندن فصل هفتم، درباره‌ی ابژه‌ی  $a$ ، مستقیماً به سراغ فصل‌های نهم و دهم، درباره‌ی گفتمان، بروند. بیش‌تر فصل‌ها را می‌توان مستقلاً خواند، گرچه فصل‌های پسین قطعاً بر روی مواد و مطالبی که در فصل‌های پیشین آمده بنا می‌گردند، و هرازچندی به آن‌ها ارجاع می‌دهند. خواننده‌هایی که دانش قبلی زیادی درباره‌ی کار لاکان دارند شاید بخوانند که فصل یکم را به کلی کنار بگذارند و شاید حتی مستقیماً به سراغ فصل پنجم بروند، و مطالب پیشین را صرفاً ورق بزنند.

یکی از اهداف کلی‌تر من در این کتاب این است که بحث درباره‌ی کار لاکان را در بافتاری از نو قرار دهم که ملاحظات بالینی را به کناری نمی‌نهد. در آمریکا، جامعه‌ی روانکاو دهه‌هاست که در برابر اندیشه‌ی لاکان مقاومت کرده است، ولی آنانی که بیش‌تر جهت‌گیری‌های ادبی و زبان‌شناختی دارند بیش‌ترین و پایدارترین علاقه را به کار وی نشان داده‌اند. دلایل تاریخی و فکری این وضعیت چندان شناخته‌شده‌اند که لزومی ندارد دوباره آن‌ها را در این‌جا بازگویم، اما نتیجه، از دید من، بازنمایی یکجانبه یا ناقص و مخدوش‌شده‌ای از اندیشه‌ی وی بوده است. با این‌که کتاب حاضر منحصرأ با ملاحظه‌ی بالین‌کاران نگاشته نشده است، [۵] اما تجربه‌ام در

1. misrecognition

2. transmission

پراکسیسی که روانکاوی نام دارد، به گمانم، قطعاً پس‌زمینه‌ی آن را شکل می‌دهد. هرگز در این کتاب تظاهر و ادعا نکرده‌ام که نگرشی «جامع‌الاطراف» را از کار لاکان عرضه می‌کنم. نگرش جامع‌الاطراف باید منظر تاریخی بسیار فراخی را درباره‌ی بالندگی لاکان در اختیار بگذارد — تأثیرپذیری‌های گوناگون سوررئالیستی، فرویدی، پدیدارشناختی، اگزیستانسیالیستی، پسا‌فرویدی، سوسوری، یاکوبسنی، و لوی-استروسی وی را (فقط برای مبتدیان) توضیح دهد — و تاخت‌وتازهای لاکان به نظریه‌ی روانکاوی را در بافتار مباحثه‌هایی قرار دهد که در آن زمان در فرانسه و جاهای دیگر جریان داشت.

در عوض، کوشیده‌ام نگرشی را از کار لاکان عرضه کنم که خیلی‌ها بی‌شک بسیار ایستا و بسته‌اش خواهند یافت، زیرا یکی از گیرایی‌های بسیار کار او دقیقاً در دگرگونی‌ها، خوداصلاح‌گری‌ها، و وارونگی‌های منظر مداوم آن نهفته است. تلاش کرده‌ام نگرشی را از برخی مفاهیم اصلی لاکان، نه آن‌گونه که از دهه‌ی ۱۹۳۰ به بعد تکامل یافته‌اند، بلکه از منظر دهه‌ی ۱۹۷۰، فراهم کنم. گهگاه سعی می‌کنم که با «ترجمه»ی برخی از راه‌های پیشین صورت‌بندی تجربیه‌ی روانکاوانه‌ی لاکان به اصطلاحات پسین خود لاکان راه‌بر و رهنمون خواننده در عبور از آن راه‌ها باشم، اما در کل برشی را از نظریه‌ی لاکانی در اختیار می‌گذارم که به نظرم هم برای بالین کار و هم برای نظریه‌پرداز به‌ویژه قدرت‌مند و سودمند است. تقابل‌هایی نظیر تقابل میان گفتار «پُر» و «تهی»، که در نخستین سمینارهای لاکان یافت می‌شود، به عقیده‌ی من، در کار متأخر وی از دور خارج می‌شوند؛ در نتیجه هر قدر هم که به‌خودی‌خود جذاب و گیرا باشند، ترجیح داده‌ام که دیگران آن‌ها را عرضه کنند. [۶]

برش‌هایی که از اندیشه‌ی لاکان عرضه می‌کنم، برش‌هایی که بر بالندگی‌های معینی تأکید می‌گذارند و تأکید را از برخی دیگر برمی‌دارند، امیدوارم که به خواننده‌ها اجازه دهد به نحو بهتری راه خود را در انبوه کارهای منتشرشده‌ی لاکان و آن‌ها که قرار است منتشر شوند پیدا کنند. از آن‌جا که چندین سال است بر اساس برخی از سمینارهای لاکان تدریس کرده‌ام، و بالندگی یک مفهوم خاص (مثل مفهوم اخلاقیات روانکاوانه در سمینار هفتم یا مفهوم انتقال<sup>۱</sup> در سمینار هشتم) را قدم

1. transference

به قدم دنبال کرده‌ام، نیک می‌دانم که دشواری جدا کردن نهادهای شناسایی‌پذیر غالباً بر شور و هیجان درک درخشش ابدی ذهن خلاق لاکان سایه می‌افکند. درنگیدن با سمینارهای لاکان وظیفه‌ای مهم برای تمامی دانش‌آموزان جدی روانکاوی است، با این‌همه به تجربه آموخته‌ام که داشتن تعدادی سنگ‌چین در آن‌چه شاید در غیر این صورت پهنه‌ای بی‌شکل ادراک شود سودمند است.

وظیفه‌ی تفسیر کار لاکان، همانند وظیفه‌ی تفسیر کار افلاطون و فروید، بی‌پایان است، و هرگز در این‌جا ادعا نمی‌کنم که آخرین حرف را گفته‌ام. باید روشن باشد که آن‌چه در این‌جا عرضه می‌کنم یک تفسیر است؛ به‌ویژه، نظریه‌ی سوزه‌ی لاکانی که در فصل‌های پنجم و ششم عرضه شده از آن من است، و خوانش‌ام از کار لاکان درباره‌ی تفاوت جنسی در فصل هشتم نیز به همان‌سان اصیل و نوآورانه است.

پیوست‌ها مطالبی را دربرمی‌گیرند که برای حفظ جریان کلی بحث در فصل‌های اصلی زیاده‌ازحد فنی‌اند. آن‌ها به مدل‌های مبسوط لاکان درباره‌ی ساختار زبان مربوط می‌شوند، و نیز به اثرات پدیدآمده توسط ناپهنجاری‌ای که در درون زبان برمی‌خیزد (ابژه‌ی *a*).

در واژه‌نامه‌ای که در پایان این کتاب فراهم آمده، خواننده توضیحات کوتاهی را درباره‌ی نمادهای اصلی بحث‌شده در جای‌جای کتاب خواهد یافت. لاکان این نمادها را «واحد‌های ریاضی» نام می‌نهد. واحد‌های ریاضی لاکان مقدار زیادی از مفهوم‌پردازی‌ها را فشرده می‌کنند و تجسم می‌بخشند، و با این‌که در واژه‌نامه کوشیده‌ام مهم‌ترین جنبه‌های آن‌ها را خلاصه کنم، کاربرد درست آن‌ها مستلزم درک دقیق و همه‌جانبه‌ی چارچوب نظری لاکان است.

به‌هنگام نقل کار لاکان، هر جا که ممکن بوده، به ویرایش‌های انگلیسی ارجاع داده‌ام، اما در مورد ترجمه‌های موجود دست خود را بسیار باز گذاشته‌ام: اکنون ناپسندگی و نارسایی این ترجمه‌ها بیش از پیش زنده‌تر و آشکارتر می‌شوند. "Écrits 1966" به ویرایش فرانسوی نوشته‌ها که سوی<sup>۲</sup> در پاریس منتشر کرد

1. mathemes (علائم جبری)

2. Seuil